

# تشنه آب فرات



[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

پویا کرمی



- سرشناسه : کرمی، پویا، ۱۱/۰۸/۱۳۸۵، ۰۹۹۰۸۰۵۲۷۱۲
- عنوان و نام پدیدآور : تشنه آب فرات/ پویا کرمی.
- مشخصات نشر : تربت حیدریه: چشم انداز قطب، ۱۴۰۲.
- مشخصات ظاهری : ۱۲۰ص: مصور (رنگی).
- شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۲-۰۸۰-۹
- وضعیت فهرست : فیبا
- ویسی : تشنه آب فرات
- پادداشت : فریدونی، محمدمهدی، ۱۳۶۶-۱۳۹۷.
- موضوع : شهیدان مسلمان -- سوریه -- سرگذشتنامه
- توضیح : Muslim martyrs -- Syria -- Biography
- شماره : شهیدان -- سوریه -- سرگذشتنامه
- کتابشناسی ملی : Martys -- Syria -- Biography
- ده بندی کنگره : BP۵۲/۶۶
- ده بندی دیویی : ۳۹۷/۹۹۸
- شماره : ۹۴۶۳۹۲۷
- کتابشناسی ملی : فیبا
- طلاعات رکورد : کتابشناسی

تربت آب فرات



انتشارات چشم انداز قطب

نویسنده : پویا کرمی

ناشر : انتشارات چشم انداز قطب

تیراژ : ۱۰۰۰

نوبت چاپ : اول

تاریخ چاپ : ۱۴۰۲

چاپ : ویونا

قطع : رقعی

تعداد صفحات : ۱۲۰

قیمت : ۱۴۵۰۰۰۰ ریال

شابک :

۹ ۰۸۰ ۳۸۲ ۶۲۲ ۹۷۸

آدرس: مشهد، خیابان امام خمینی، امام خمینی ۶۴  
 تربت حیدریه، خیابان شهید سلیمانی - پاساژ سیمرغ - طبقه اول  
 تلفن: ۰۹۲۲۳۵۷۹۱۰۹ - ۰۹۱۵۳۳۲۸۵۱۶

## مقدمه

«شهدای دفاع از حرم اگر نبودند، ما باید حالا با عناصر فتنه گر  
 خبیث دشمن اهل بیت و دشمن مردم شیعه، در شهر های ایران  
 میجنگیدیم.»

«مقام معظم رهبری»<sup>۱</sup>

وسط پادگان، زیر پرچم ایران روی یک زانو نشسته بود تا بند پوتینش را ببندد؛  
 در همین حال تگاهی به لباسش انداخت و گل لبخند روی چهره اش رویید.  
 آری! خدمت در لباس پاسکاری حال و هوای دیگری دارد چه بسا سر انجام این  
 خدمت با پاداش شهادت همراه باشد شهدای مدافع حرم همچون خورشیدی  
 هستند که هر چشمی به آنان بنگرد برق می زنه و هر چشمی را صیقل  
 می بخشد دلم را رهسپار می کنم به سوی دمشق سرزمین عشق عشقی که  
 باعث شد تا گوشه گوشه این خاک مزین به رنگ و لعاب و عطر شهدا باشد  
 مدافع حرم یعنی عشق عشقی که با زبان ایثار و شهادت خود را برای جهانیان  
 ترجمه می کند مدافع حرم همچون یک گنج سفید است که تخته سیاه دست  
 نشانده استکبار را با مکتب شهادت از صحنه روزگار محو کرد مدافع حرم بودن  
 خلعتی است که مانند دریا کینه و کدورت را در قلب های رزمندگان غرق کرد  
 و آن ها را سوق داد به سوی آرزویی که ابتدا باشین و انتهایش با ت خاتمه  
 می یابد .

<sup>۱</sup> <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۶۸۹۴>

در میان عکس و اسم شهدای مدافع حرم تصویر شهیدی را می بینم محو خال روی صورتش می شوم زیر عکسش نوشته شده بود: محمد مهدی فریدونی.

\*\*\*

چراغ راه آینده ما شعار آزادگی و فداکاری شهدای ماست.

(مقام معظم رهبری)<sup>۲</sup>

همه فن حریف

\*\*\*

شهید محمد مهدی فریدونی متولد ۲۴ آبان ماه ۱۳۶۶ بود که برای زودتر رفتن به سوی مدرسه و تحصیل شناسنامه اش را ۳۰ شهرپور گرفتند این فرزند پر افتخار پارس در محله حیدر آباد از توابع شهرستان فسا دیده به جهان گشود و تحصیلاتش را در رشته زبان انگلیسی شروع کرد و پس از مدتی به عنوان استاد دانشگاه امام خامنه ای (مدظله العالی) برگزیده شد اما عشق سوزان و بیزاری از پشت میز نشینی باعث استعفایش شد و باعث شد تا سال ۹۵ عضو سپاه قدس شود سپاه پاسداران سرنوشت ساز او بود و وی را به آرزویش رساند شهید فریدونی سرانجام خلعت زیبای شهادت را در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۳۹۷ مصادف با شب ضربت خوردن مولای متقیان امیرالمؤمنین (ع) در حمله با

<sup>۲</sup> <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۸۳۸>

تکفیری‌های ساخته شده به دست غرب به تن کرد آرامگاه این قهرمان در گلزار شهیدای امام حسن (ع) شهرستان فسا می‌باشد.

پدر شهید با غم و اندوه در کنار پنجره‌ای که به سوی حیاطی که شهید در کودکی در آن بازی می‌کرد نشسته بود و این گونه ایام نوجوانی شهید را بیان می‌کند:

پس از سه دختر محمد مهدی متولد شد او تک پسر خانواده بود محمد مهدی پسری فعال درس خوان و کوشا بود به صورتی نبود که خیلی درس بخواند اما همیشه شاگرد اول مدرسه و دانشگاه بود از همان نوجوانی تا زمان شهادت خنده رو بود زمانی که در دبیرستان مشغول تحصیل بود در کنار تحصیل به حرفه آموزشی نیز می‌پرداخت. محمد مهدی یک جلوبندی کار بسیار ماهر بود و در کنار این حرفه پرورش قارچ و بلدرچین را انجام می‌داد. او در همین حال به کلاسهای خط و کانون زبان نیز می‌رفت فعالیتهای عبادی و فرهنگی از کودکی مشوق او برای خدمت به اسلام و اهل بیت بود از کلاس چهارم در مسجد محل عضو بسیج شد بسیج، قطار عشق و علاقه او به اسلام و ولایت را به شدت روی ریل‌های زندگی‌اش می‌شتافت پدر، جانشین فرمانده بسیج مسجد محله بود. او سعی می‌کرد که با هدایت محمد مهدی به بسیج، اسلام و انقلاب را به وی معرفی کند رفته رفته عشق و علاقه او به ولایت و اهل بیت بیشتر می‌شد فعالیتهای فرهنگی‌اش را به صورت جدی از همان کودکی در مسجد و هیئت انجام می‌داد به طوری که مسجد خانه اول او شده بود به مسجد عشق می‌ورزید محمد مهدی یک لپ‌تاپ داشت و یک ویدیو پروژکتور هم به عشق مسجد خرید که در ایام محرم آن را به هیئت مسجد می‌آورد و از آن در پخش مداحی استفاده می‌کرد او در فعالیتهای مذهبی بسیار کوشا بود.

در همهٔ عرصه‌ها خوش می‌درخشید.

در کانون به خوبی زبان انگلیسی را فرا گرفت و به آن عشق می‌ورزید نرگس فریدونی خواهر شهید می‌گوید:

معلم‌های محمد مهدی و مربی او در کانون به پدرم می‌گفتند:

\_ محمد مهدی همه چیز را سر کلاس یاد می‌گیرد.

وی فقط اواخرترم کمی درس می‌خواند اما همیشه هم در مدرسه و هم در دانشگاه شاگرد اول بود و معدل‌های بسیار درخشانی داشت. محمد مهدی یکی از بهترین جلوبندی کارها بود از دبیرستان تا دانشگاه در جلوبندی کار می‌کرد. او در مکانیکی و جلوبندی برای خود یک یا استاد بود.

در تمام ایام نوجوانی تا جوانی اش یکبار هم دستش را برای پول تو جیبی جلوی پدرش دراز نکرد.

همیشه در کارگاهام دی اف، مکانیکی و جلوبندی کار می‌کرد تا پول تو جیبی اش را در بیاورد. هیچگاه بیکار نبود. پدر شهید یک ال نود خرید تا محمد مهدی سوار آن شود اما او هیچ وقت سوار ال نود نشد. سوار موتور سیکلتی که خودش خریده بود می‌شد.